



بررسی عوامل تأثیرگذار بر تعهد شغلی معلمان در مناطق کمبرخوردار

مجید یوسفی پور^۱

۱. گروه برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: m.yousefipour@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی ابعاد هویت محیط‌زیستی در برنامه‌های درسی دوره متوسطه با استفاده از رویکرد کیفی و تحلیل دیدگاه‌های متخصصان حوزه آموزش محیط‌زیست و برنامه‌ریزی درسی است. این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۶ نفر از متخصصان حوزه‌های آموزش محیط‌زیست، علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و به کمک نرم‌افزار Nvivo صورت گرفت. یافته‌های پژوهش منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل «شناخت و آگاهی محیط‌زیستی»، «نگرش و ارزش‌های محیط‌زیستی» و «رفتار و کنش محیط‌زیستی» شد. هر یک از این مقوله‌ها دارای زیرمقوله‌هایی بودند که مفاهیمی نظیر سواد زیست‌محیطی، مسئولیت‌پذیری فردی، عدالت زیست‌محیطی، سبک زندگی پایدار، یادگیری تجربی و رفتارهای مدرسه‌محور را در بر می‌گرفت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که برنامه‌های درسی می‌توانند نقش کلیدی در ارتقاء هویت محیط‌زیستی دانش‌آموزان ایفا کنند، مشروط بر آنکه طراحی آن‌ها مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی شده باشد. هویت محیط‌زیستی دانش‌آموزان مفهومی چندبعدی است که باید به صورت هدفمند در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی لحاظ شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری در اسناد درسی، آموزش معلمان، و ارتقاء تربیت زیست‌محیطی در نظام آموزشی کشور باشد.

کلیدواژه‌گان: هویت محیط‌زیستی، برنامه درسی، آموزش محیط‌زیست، تحلیل مضمون، آموزش متوسطه

تاریخ ارسال: ۱ آبان ۱۴۰۲

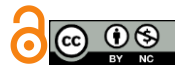
تاریخ بازنگری: ۱۲ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۵ دی ۱۴۰۲



How to cite: Yousefipour, M. (2023). Exploring the Factors Influencing Job Commitment of Teachers in Underprivileged Areas: A Qualitative Study. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(4), 9-16



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Exploring the Factors Influencing Job Commitment of Teachers in Underprivileged Areas: A Qualitative Study

Majid Yousefipour^{1*}

1. Department of Educational Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

*Corresponding Author's Email: m.yousefipour@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify the dimensions of environmental identity in secondary school curricula through a qualitative approach and analysis of expert perspectives. The study employed a qualitative design using conventional content analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 16 experts in environmental education, curriculum planning, and educational sciences, selected via purposive sampling. Data collection continued until theoretical saturation was reached. Thematic analysis was conducted using Nvivo software to code and categorize the data. The analysis revealed three main themes: "Environmental Knowledge and Awareness," "Environmental Attitudes and Values," and "Environmental Behaviors and Actions." Each theme included several subthemes such as environmental literacy, personal responsibility, environmental justice, sustainable lifestyle, experiential learning, and school-based ecological practices. The findings indicated that school curricula can play a vital role in shaping students' environmental identity, provided they are intentionally designed to integrate these dimensions. Environmental identity among students is a multidimensional construct that should be explicitly addressed in the design and implementation of curricula. The identified components offer a framework for revising educational content, improving teacher training, and enhancing environmental education in Iran's secondary school system.

Keywords: *Environmental identity, curriculum, environmental education, thematic analysis, secondary education*

Submit Date: 23 October 2023

Revise Date: 3 December 2023

Accept Date: 22 December 2023

Publish Date: 5 January 2024

امروزه، بحران‌های محیط‌زیستی همچون تغییرات اقلیمی، آلودگی آب و هوا، کاهش تنوع زیستی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، به چالش‌های اساسی برای بقای انسان و سایر موجودات زنده تبدیل شده‌اند. این بحران‌ها تنها پیامدهای فیزیکی ندارند، بلکه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، توجه به مقوله «هویت محیط‌زیستی» به‌عنوان یک مؤلفه روان‌شناختی-اجتماعی در راستای تغییر نگرش‌ها و رفتارهای انسان نسبت به محیط‌زیست، ضرورتی انکارناپذیر است (Clayton, 2003).

هویت محیط‌زیستی به معنای ادراک فرد از خود در ارتباط با طبیعت و محیط‌زیست تعریف می‌شود و شامل نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها، و رفتارهایی است که فرد در تعامل با محیط طبیعی اتخاذ می‌کند (Stets & Biga, 2003). این مفهوم، بخشی از هویت کلی انسان محسوب می‌شود و بر اساس تجربیات، آموزش و کنش‌های فردی و جمعی در تعامل با محیط شکل می‌گیرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که هویت محیط‌زیستی قوی‌تری دارند، رفتارهای محافظتی بیشتری از خود بروز می‌دهند، سبک زندگی پایدار را انتخاب می‌کنند و مشارکت بیشتری در فعالیتهای اجتماعی زیست‌محیطی دارند (Clayton & Opatow, 2003; Whitmarsh & O'Neill, 2010).

در این میان، نظام آموزشی و به‌ویژه برنامه‌های درسی رسمی، نقش کلیدی در تقویت و نهادینه‌سازی هویت محیط‌زیستی ایفا می‌کنند. مدارس نه تنها بسترهای انتقال دانش محیط‌زیستی هستند، بلکه فضایی تربیتی برای توسعه نگرش‌ها و ارزش‌هایی محسوب می‌شوند که منجر به کنش‌های زیست‌محیطی آگاهانه می‌گردند (Stevenson, 2007). از این‌رو، برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که فراتر از انتقال مفاهیم نظری، به رشد بینش و هویت زیست‌محیطی دانش‌آموزان نیز بپردازند. در غیر این‌صورت، آموزش محیط‌زیست به سطحی از اطلاعات محدود خواهد شد که منجر به تغییر نگرش یا رفتار پایدار نخواهد شد (Tilbury, 1995).

با وجود تأکید اسناد بین‌المللی نظیر «دستور کار ۲۱» و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (UNESCO, 2017)، در بسیاری از کشورها از جمله ایران، جایگاه مفهومی هویت محیط‌زیستی در طراحی برنامه‌های درسی چندان روشن نیست و اغلب به‌صورت ضمنی یا پراکنده مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل محتوای برنامه‌های درسی موجود در ایران نیز نشان می‌دهد که اگرچه برخی مفاهیم زیست‌محیطی به‌صورت موضوعی یا مضمونی مطرح شده‌اند، اما سازوکار منظمی برای تربیت هویت محیط‌زیستی دانش‌آموزان در این اسناد وجود ندارد (Zarei et al., 2020).

از سوی دیگر، در عصر چالش‌های محیط‌زیستی، تربیت نسل‌های آینده برای درک و مواجهه مسئولانه با محیط طبیعی، نیازمند تقویت ابعاد مختلف هویت زیست‌محیطی است؛ از جمله شناخت، نگرش، ارزش، احساس تعلق، مسئولیت‌پذیری، و نهایتاً رفتارهای محیط‌زیستی. برای دستیابی به این هدف، برنامه درسی باید ابعادی از هویت را تقویت کند که به رشد جامع شخصیت زیست‌محیطی فرد منجر شود (Thomashow, 1995).

در سال‌های اخیر، تحقیقات بین‌المللی متعددی به شناسایی و تحلیل ابعاد هویت محیط‌زیستی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، Clayton و همکارانش (۲۰۱۱) هویت محیط‌زیستی را در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری دسته‌بندی کرده‌اند. همچنین، Schultz (۲۰۰۱) بر نقش همدلی با طبیعت و احساس پیوند روان‌شناختی با آن تأکید داشته است. در مطالعاتی دیگر نیز به اهمیت بُعد اجتماعی هویت محیط‌زیستی پرداخته شده است، به‌ویژه در زمینه مشارکت در فعالیتهای جمعی و رفتارهای مسئولانه اجتماعی (Mayer & Frantz, 2004).

در فضای آموزش و پرورش ایران، علی‌رغم توجه نسبی به آموزش محیط‌زیست در قالب دروسی مانند علوم تجربی یا مطالعات اجتماعی، مفهوم هویت محیط‌زیستی و ابعاد آن به‌صورت علمی و ساختارمند در برنامه‌های درسی لحاظ نشده است. بسیاری از معلمان و برنامه‌ریزان نیز تعریف روشن و واحدی از آن ندارند و در عمل، آموزش محیط‌زیست را به سطوح دانشی یا مهارتی تقلیل می‌دهند (Fadaei et al., 2021). این مسئله، خلأیی جدی در تحقق اهداف تربیت محیط‌زیستی ایجاد کرده است. لذا، ضروری است ابعاد هویت محیط‌زیستی متناسب با بستر

فرهنگی، آموزشی و اجتماعی کشور شناسایی و به‌گونه‌ای در برنامه‌های درسی تلفیق شوند که زمینه‌ساز رشد نسل آینده‌ای آگاه، مسئول و متعهد نسبت به محیط‌زیست گردد.

از این‌رو، هدف پژوهش حاضر شناسایی ابعاد هویت محیط‌زیستی در برنامه‌های درسی دوره متوسطه با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و تحلیل دیدگاه‌های صاحب‌نظران، متخصصان آموزش محیط‌زیست و برنامه‌ریزان درسی است. این مطالعه می‌کوشد با استخراج مؤلفه‌های کلیدی هویت محیط‌زیستی، الگوی بومی و قابل استفاده برای به‌کارگیری در طراحی و اصلاح برنامه‌های درسی آینده ارائه دهد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند نقشی مهم در سیاست‌گذاری‌های آموزشی، تدوین محتوای درسی، و تربیت معلمان ایفا کند و در نهایت به ارتقای سرمایه فرهنگی-محیط‌زیستی نسل آینده منجر شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی انجام شده است. هدف پژوهش، شناسایی ابعاد هویت محیط‌زیستی در برنامه‌های درسی دوره متوسطه می‌باشد. شرکت‌کنندگان در این مطالعه شامل ۱۶ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های برنامه‌ریزی درسی، آموزش محیط‌زیست، و علوم تربیتی بودند که به‌صورت هدفمند و با استفاده از معیارهای تخصص، سابقه آموزشی و آشنایی با مباحث هویت محیط‌زیستی انتخاب شدند. تمامی مشارکت‌کنندگان از شهر تهران انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت، به‌طوری‌که پس از مصاحبه با نفر شانزدهم، داده‌های جدیدی حاصل نشد.

گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. راهنمای مصاحبه شامل سؤالاتی باز و اکتشافی بود که به‌منظور دستیابی به درک عمیق‌تری از دیدگاه‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان درباره مفهوم، مؤلفه‌ها و جلوه‌های هویت محیط‌زیستی در برنامه درسی طراحی شده بود. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شد.

برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) با رویکرد قیاسی-استقرایی استفاده شد. در مرحله اول، متن کامل مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شد تا پژوهشگر با داده‌ها آشنا شود. سپس کدگذاری اولیه صورت گرفت و مفاهیم کلیدی استخراج شدند. در ادامه، کدها در قالب مضامین فرعی و سپس مضامین اصلی طبقه‌بندی شدند. برای سازماندهی و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Nvivo استفاده شد که به مدیریت، طبقه‌بندی و بازیابی داده‌های کیفی کمک شایانی کرد. اعتبار تحلیل‌ها از طریق روش بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان (member check) و تطبیق کدها توسط پژوهشگر دوم (peer check) تضمین شد.

یافته‌ها

تم اول: شناخت و آگاهی محیط‌زیستی

درک مفاهیم پایه محیط‌زیست:

مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که آموزش مفاهیم پایه مانند منابع طبیعی، آلودگی هوا و آب، و اهمیت تنوع زیستی، مقدمه‌ای ضروری برای شکل‌گیری هویت محیط‌زیستی در دانش‌آموزان است. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «وقتی دانش‌آموز نداند تنوع زیستی یعنی چه، چطور می‌خواهد برای حفظ آن انگیزه داشته باشد؟» این سطح از شناخت، پایه‌ای برای توسعه نگرش‌ها و رفتارهای مسئولانه زیست‌محیطی محسوب می‌شود.

حساسیت نسبت به مسائل زیست‌محیطی:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان به اهمیت ایجاد حساسیت نسبت به بحران‌هایی نظیر تغییر اقلیم، بحران آب، و آلودگی‌های زیست‌محیطی اشاره کردند. یکی از آن‌ها گفت: «دانش‌آموز باید بفهمد آلودگی پلاستیک فقط مشکل دریاست، نه! به بحران جهانیه که زندگی همه ما رو تهدید می‌کنه.»

سواد زیست‌محیطی:

قابلیت تحلیل پیامدهای زیست‌محیطی و درک روابط علت و معلولی در پدیده‌های طبیعی، بخش مهمی از هویت محیط‌زیستی دانسته شد. یکی از شرکت‌کنندگان بیان کرد: «دانش‌آموز باید بفهمه که مصرف زیاد برق یعنی مصرف بیشتر سوخت فسیلی، یعنی آلودگی بیشتر هوا. این پیوندها رو باید آموزش بدیم.»

آشنایی با حقوق محیط‌زیستی:

چندین مشارکت‌کننده بر آموزش حقوق شهروندی مرتبط با محیط‌زیست تأکید داشتند. آن‌ها معتقد بودند آموزش این حقوق موجب تقویت حس مسئولیت در قبال نسل‌های آینده می‌شود. به گفته یکی از آن‌ها: «حق برخورداری از هوای پاک، یه حق اساسیه که باید از پایه تو ذهن بچه‌ها جا بیفته.»

توجه به اخبار و اطلاعات محیط‌زیستی:

استفاده از منابع اطلاعاتی و رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری برای ارتقای آگاهی دانش‌آموزان مطرح شد. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «اگه دانش‌آموز خبرهای محیط‌زیستی رو دنبال نکنه، نمی‌تونه خودش رو جزئی از این مسائل بدونه.»

یادگیری تجربی در طبیعت:

یادگیری تجربی در محیط‌های طبیعی، عاملی مهم در تقویت آگاهی زیست‌محیطی دانسته شد. به بیان یکی از افراد: «وقتی بچه‌ها تو طبیعت درس می‌خونن، پیوند عاطفی برقرار می‌کنن. این تجربه، توی کلاس به دست نیامد.»

تم دوم: نگرش و ارزش‌های محیط‌زیستی

مسئولیت‌پذیری فردی در قبال محیط:

اکثر مشارکت‌کنندگان بر اهمیت درونی‌سازی احساس مسئولیت نسبت به محیط‌زیست تأکید داشتند. به گفته یکی از آن‌ها: «اگه دانش‌آموز باور کنه که رفتارش تأثیر داره، دیگه راحت زباله نمی‌ریزه تو خیابون.»

احترام به موجودات زنده:

احترام به حیات تمامی موجودات به‌عنوان بخش مهمی از ارزش‌های محیط‌زیستی تلقی شد. یکی از مشارکت‌کنندگان توضیح داد: «اگه یاد بگیره به یه مورچه هم آسیب نزنه، یعنی به طبیعت احترام می‌ذاره.»

عدالت محیط‌زیستی:

برخی مشارکت‌کنندگان به لزوم آموزش مفاهیم عدالت در بهره‌برداری از منابع طبیعی اشاره کردند. به گفته یکی از آن‌ها: «نباید فقط تهران سبز باشه. بچه‌ها باید بدونن که مناطق محروم هم حق محیط سالم دارن.»

ارزش‌گذاری بر سبک زندگی پایدار:

تمایل به کاهش مصرف منابع، استفاده از محصولات سبز و بازیافت به‌عنوان نمودهای عینی ارزش‌گذاری به پایداری مطرح شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «دانش‌آموزی که کیسه پارچه‌ای استفاده می‌کنه، یعنی داره سبک زندگی‌شو تغییر می‌ده.»

نگرش بین‌نسلی:

پاسخ‌دهندگان بر این نکته تأکید داشتند که آموزش باید ناظر به مسئولیت در برابر نسل‌های آینده باشد. به بیان یکی از آن‌ها: «اگه بچه‌ها حس کنن این زمین رو قراره به بچه‌هاشون بدن، بیشتر مراقبش می‌شن.»

تم سوم: رفتار و کنش محیط‌زیستی

رفتارهای پایدار در مدرسه:

بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر اهمیت پیاده‌سازی رفتارهای دوستدار محیط‌زیست در محیط مدرسه اشاره کردند. یکی از آن‌ها گفت: «مدرسه می‌تونه یه آزمایشگاه باشه برای تمرین رفتارهای زیست‌محیطی، مثل تفکیک زباله یا صرفه‌جویی در آب.»

مشارکت اجتماعی محیط‌زیستی:

مشارکت در فعالیت‌های جمعی مانند پاکسازی طبیعت و عضویت در گروه‌های زیست‌محیطی، به‌عنوان نمود عملی هویت محیط‌زیستی شناخته شد. به گفته یکی از شرکت‌کنندگان: «وقتی دانش‌آموز تو درخت‌کاری شرکت می‌کنه، اون هویت رو تو عمل تجربه می‌کنه.»

انتخاب‌های مصرفی مسئولانه:

رفتارهای خرید آگاهانه، مانند کاهش مصرف پلاستیک و انتخاب کالاهای دوستدار محیط‌زیست، بخش مهمی از کنش محیط‌زیستی بودند. یکی از افراد اظهار داشت: «بچه‌ای که خودش بطری آب می‌آره مدرسه، داره تمرین مسئولیت‌پذیری می‌کنه.»

رفتارهای خانوادگی محیط‌زیستی:

برخی مشارکت‌کنندگان به تأثیر فضای خانوادگی در شکل‌گیری رفتارهای زیست‌محیطی اشاره کردند. یکی از آن‌ها گفت: «اگه تو خونه سطل تفکیک داشته باشن، دانش‌آموز یاد می‌گیره که این کار یه وظیفه‌ست، نه شعار.»

مراقبت از منابع طبیعی:

پرهیز از آسیب به فضاهای سبز و استفاده مسئولانه از منابع به‌عنوان مصادیق این زیرمقوله مطرح شد. یکی از شرکت‌کنندگان تأکید کرد: «بچه‌ای که تو پارک شاخه نمی‌شکنه، در واقع داره تمرین می‌کنه چطور با منابع طبیعی مهربون باشه.»

استفاده از حمل‌ونقل پایدار:

برخی پاسخ‌دهندگان استفاده از دوچرخه، حمل‌ونقل عمومی یا پیاده‌روی را نمونه‌هایی از رفتارهای سبز روزمره دانستند. به گفته یکی از آن‌ها: «اگه بچه‌ها بدونن با دوچرخه رفتن به مدرسه یعنی هوای تمیزتر، حتماً استقبال می‌کنن.»

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، شناسایی ابعاد هویت محیط‌زیستی در برنامه‌های درسی دوره متوسطه با استفاده از رویکرد کیفی و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که ابعاد هویت محیط‌زیستی در سه محور اصلی شامل «شناخت و آگاهی محیط‌زیستی»، «نگرش و ارزش‌های محیط‌زیستی» و «رفتار و کنش محیط‌زیستی» قابل طبقه‌بندی هستند. هر یک از این ابعاد نیز دارای زیرمقوله‌هایی بودند که مؤلفه‌های جزئی‌تر هویت محیط‌زیستی را در بستر آموزش و پرورش تبیین می‌کنند.

در محور نخست یعنی شناخت و آگاهی محیط‌زیستی، شرکت‌کنندگان به مؤلفه‌هایی چون درک مفاهیم پایه محیط‌زیست، حساسیت نسبت به مسائل زیست‌محیطی، سواد زیست‌محیطی، آشنایی با حقوق محیط‌زیستی، پیگیری اخبار مرتبط، و یادگیری تجربی در طبیعت اشاره داشتند. این یافته‌ها با دیدگاه Stets و Biga (۲۰۰۳) که تأکید دارند شناخت زیست‌محیطی بنیان هویت‌سازی محیط‌زیستی است، همسو است. در پژوهش Schultz (۲۰۰۱) نیز بیان شده است که هرچه دانش فرد درباره عملکردهای محیطی بیشتر باشد، احتمال بروز رفتارهای دوستدار محیط‌زیست در وی افزایش می‌یابد. همچنین، یادگیری تجربی و غیردرسی به‌عنوان یک محرک شناختی در تقویت هویت محیط‌زیستی در پژوهش‌های Stevenson (۲۰۰۷) و Tilbury (۱۹۹۵) تأیید شده است؛ جایی که آموزش در محیط طبیعی، بیش از آموزش کلاسی منجر به درونی‌سازی ارزش‌های زیست‌محیطی می‌شود.

در بخش نگرش و ارزش‌های محیط‌زیستی، یافته‌ها نشان داد که تقویت مسئولیت‌پذیری فردی، احترام به موجودات زنده، عدالت محیط‌زیستی، سبک زندگی پایدار، و نگرش بین‌نسلی، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت پایدار دارند. این یافته با الگوی Clayton و Opatow (۲۰۰۳) هماهنگ است که در آن، هویت زیست‌محیطی به‌عنوان بخشی از هویت اخلاقی و اجتماعی فرد تبیین می‌شود. بر اساس نظریه Mayer و Frantz (۲۰۰۴)، احساس پیوند روان‌شناختی با طبیعت موجب تقویت ارزش‌های درونی مرتبط با حفاظت از محیط می‌شود و به‌صورت غیرمستقیم رفتارهای ماندگار محیط‌زیستی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین، مفهوم عدالت زیست‌محیطی که در این مطالعه به‌عنوان یکی از زیرمقوله‌ها شناسایی شد، در پژوهش‌های جدیدتر نظیر Whitmarsh و O'Neill (۲۰۱۰) نیز به‌عنوان عنصری محوری در توسعه هویت زیست‌محیطی اجتماعی مطرح شده است، به‌ویژه در جوامعی که آسیب‌پذیری اقلیمی و دسترسی نابرابر به منابع طبیعی وجود دارد.

سومین بعد هویت محیط‌زیستی، مربوط به رفتارها و کنش‌های قابل مشاهده در زندگی روزمره دانش‌آموزان بود. یافته‌ها حاکی از آن است که رفتارهای پایدار در مدرسه، مشارکت در فعالیت‌های زیست‌محیطی، انتخاب‌های مصرفی آگاهانه، سبک زندگی خانوادگی سبز، مراقبت از منابع طبیعی و استفاده از حمل‌ونقل پایدار، به‌عنوان جلوه‌هایی از هویت شکل‌گرفته زیست‌محیطی بروز می‌یابند. این موضوع، هم‌راستا با نتایج پژوهش Thomashow (۱۹۹۵) است که رفتار را به‌عنوان نمود بیرونی هویت درونی‌شده محیط‌زیستی تحلیل می‌کند. همچنین، در مطالعه‌ای از Clayton، Fraser و Burgess (۲۰۱۱) تأکید شده است که هویت محیط‌زیستی زمانی پایدار می‌شود که رفتارهای محیط‌زیستی نه به‌عنوان وظیفه، بلکه به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره درونی شوند. از سوی دیگر، نقش خانواده در نهادینه‌سازی این رفتارها نیز در ادبیات پژوهش Fadaei و همکاران (۲۰۲۱) مورد تأکید قرار گرفته است.

نکته قابل تأمل در یافته‌های این پژوهش، آن است که تمامی مؤلفه‌های شناسایی‌شده، قابل تلفیق با عناصر برنامه درسی اعم از محتوا، روش تدریس، ارزشیابی، و فضای مدرسه هستند. به‌عبارت دیگر، هویت محیط‌زیستی را می‌توان نه صرفاً به‌عنوان هدفی تربیتی، بلکه به‌عنوان یک چارچوب میان‌رشته‌ای در تمام دروس و ساختارهای مدرسه ادغام کرد. این دیدگاه در راستای بیانیه یونسکو (۲۰۱۷) مبنی بر ادغام ارزش‌های پایداری در تمامی جنبه‌های آموزش است. برنامه درسی که چنین نگاهی دارد، می‌تواند بستر پرورش شهروندانی آگاه، حساس و کنش‌گر نسبت به محیط‌زیست را فراهم کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

References

- Clayton, S. (2003). Environmental identity: A conceptual and an operational definition. In S. Clayton & S. Opatow (Eds.), *Identity and the natural environment: The psychological significance of nature* (pp. 45–65). MIT Press.
- Clayton, S., & Opatow, S. (2003). *Identity and the natural environment: The psychological significance of nature*. MIT Press.
- Clayton, S., Fraser, J., & Burgess, C. (2011). The role of the built environment in human behavior: A focus on identity and well-being. *Journal of Environmental Psychology*, 31(4), 270–278.
- Fadaei, A., Rezaei, M., & Zarei, M. (2021). Evaluation of environmental education in Iranian high school curricula. *Journal of Environmental Education and Sustainability*, 9(2), 55–72.
- Mayer, F. S., & Frantz, C. M. (2004). The connectedness to nature scale: A measure of individuals' feeling in community with nature. *Journal of Environmental Psychology*, 24(4), 503–515.
- Schultz, P. W. (2001). The structure of environmental concern: Concern for self, other people, and the biosphere. *Journal of Environmental Psychology*, 21(4), 327–339.
- Stets, J. E., & Biga, C. F. (2003). Bringing identity theory into environmental sociology. *Sociological Theory*, 21(4), 398–423.
- Stevenson, R. B. (2007). Schooling and environmental education: Contradictions in purpose and practice. *Environmental Education Research*, 13(2), 139–153.
- Thomashow, M. (1995). *Ecological identity: Becoming a reflective environmentalist*. MIT Press.
- Tilbury, D. (1995). Environmental education for sustainability: Defining the new focus of environmental education in the 1990s. *Environmental Education Research*, 1(2), 195–212.
- UNESCO. (2017). *Education for Sustainable Development Goals: Learning objectives*. UNESCO Publishing.
- Whitmarsh, L., & O'Neill, S. (2010). Green identity, green living? The role of pro-environmental self-identity in determining consistency across diverse pro-environmental behaviors. *Journal of Environmental Psychology*, 30(3), 305–314.
- Zarei, M., Fadaei, A., & Rezaei, M. (2020). Content analysis of high school textbooks in Iran with an environmental education approach. *Curriculum Studies Quarterly*, 12(1), 99–122.